



حتما سانسور می شود کاری که بلد هستم را جوری انجام بدهم که تأثیری روی یک عده بگذارد. هر جامعه ای کسانی را هم لازم دارد که با هنر و سرگرمی نشان دهند که نسبت به بعضی چیزها مسأله دارند و مطالبه دارند.

در آن صورت اما محبوب مردم می شوید و واقعا چنین چیزی در مردم هست.
چند روز و چقدر؟

تا مدتی که کافی از شما دیده شود.
مسأله این است که فرد محبوب را بالا می برند و یک دفعه او را پایین می کشند و منفور می شود. من اصلا این را نمی خواهم! من برنامه می سازم و حرفه من سرگرمی سازی یا اینترتینمنت است. کار ما این است، ما رفته ایم جان کنده ایم، درس خوانده ایم، یاد گرفته ایم و در کنار استادهای کوچک و بزرگ دوره دیده ایم و تجربه کرده ایم. ما سرگرمی سازی بلد هستیم. کار ما شو ساختن، سریال ساختن، اسباب بازی ساختن و مسابقه ساختن است. ما این کارها را بلد هستیم.

به هر حال شما این تفکر را که قاطبه مردم علیه تلویزیون هستند را قبول دارید یا نه؟
معلوم است، خودم هم دارم می بینم.

چقدر خوب است که این قدر صادق هستید. یعنی با این جمله دارید به مردم حق می دهید؟
بله، اینکه مردم دلشان می خواهد تا ما واکنش های به جا و به موقع نشان بدهیم را قطعاً می فهمم و قطعاً هم به آنها حق می دهم؛ برای اینکه صدایشان به هر جایی نمی رسد و شاید صداهای ما بلندتر باشد ولی یک مسأله ای وجود دارد. شرایط بحران، همه چیز را منکوب می کند؛ یعنی اگر صدای تو در بحران بلند شود و بخواهی که چیزی را خارج از قاعده بگویی، محکوم می شوی به اینکه تو داری بحران را بحرانی تر می کنی. بنابراین این نباید این کار را کنی و باید ساکت شوی.

شما آدم سیاسی هستید یا در این باره صاحب نظر هستید؟
اصلاً؛ تمایلی هم ندارم که سیاسی باشم. شاید اگر اهل سیاست و روزی بودم انقدر مورد توجه قرار نمی گرفتم.

چون ما جامعه متأسفانه سیاست زده ای داریم. آقای جوان آیا تا به حال در این فشارها به این فکر کرده اید که چرا این فشار برای دیگر همکاران من نیست و فقط برای من است و این احساس

به من گفت که مشکلتان حل شد، پست تیزرها را بگذارم؟ من هم گفتم که این کار را بکنند. یعنی من نمی دانستم که کدام تیزر را گذاشته است و یک دفعه دیدم که همه می گویند این دیگر چیست؟ من هیچ اشاره ای به این نکردم که چون گرانی است پس رژیم بگیریم و این حرف اشتباهی است که تعبیرش کرده اند. پس تکلیف این ماجرا روشن است. این رسماً یک ترجمه غلط است که وقتی که تیزر را یک بار بدون این ذهنیت تماشا کنیم متوجه می شویم که اصلاً کدام رژیم می آید چنین حرفی را بزند. چرا یک رژیم غذایی باید بگوید که چون گرانی است، پس رژیم بگیریم؟ آخر این چیست و چه اعتباری برای او می آورد و اصلاً من چرا باید این را روایت کنم؟

مگر شما سر خورچی برنامه نیستید؟
چطور آن را ندیدید؟

آن را دیدم و چیز بدی نبود. آن تیزر در زمان خودش، هیچ چیز بدی نبود. اصلاً حرف بدی نمی زند و می گوید که با گران شدن هر چیز، تو می توانی مناسب با خودت یک پکیج براری. حرف این تیزر همین است؛ اینکه نگران قیمت نباش، چه قیمت تهیه غذا و چه قیمت پکیج دستوری رژیم.

اما پیام این است که فقیری پس کمتر بخور.

خیر، معلوم است که این طور نیست. چرا من و آنها باید این را بگوییم؟ یک طراح رژیم چرا باید بگوید که گران است، پس کمتر بخور چون به نفع است؟! یعنی انگار که داری به نفع جیبیت عمل می کنی! خیر، دارم می گوید که اگر تو می خواهی رژیم بگیری، نگران هزینه اش نباش. من رژیم ارزان تر هم برایت دارم.

یعنی شما کماکان می گوید که محتوایش درست است و مردم اشتباه دریافت کرده اند؟

با همین نگاهی که من گفتم، یک بار دیگر آن را تماشا کنید. چرا ما باید چنین حرفی را بگوییم؟

خیلی از شومن ها و برنامه سازها در خارج از کشور، برنامه های خودشان را تا فصل های دو رقمی هم ادامه می دهند؛ ولی در ایران آدم ها سریع پس می زنند و می گویند که بس است دیگر، تا کی و تا کجا می خواهد ادامه پیدا کند. یعنی انگار که این مسأله هنوز در تلویزیون برای مخاطب قاعده نشده است. شما فکر می کنید که «خندوانه» را می شود خیلی ادامه داد یا اینکه دوست دارید به فکر طرح جدیدی باشید؟

سر خوردگی را با خودتان حمل کنید؟

خیر، من سر خورده نمی شوم اما به آن مسأله فکر می کنم. من اصولاً آدمی نیستم که بخواهم با سر خوردگی زندگی کنم، اصلاً سر خوردگی یعنی چه؟ تو می توانی به این فکر کنی که این مسیری که رفته ای غلط است و مسیر دیگری و یا رفتار دیگری را انتخاب کنی. بنابراین سر خوردگی معنا ندارد. من می توانم یک پروژه ای را شروع کنم و بعد از شش ماه بفهمم که غلط است اما سر خورده نمی شوم. متوجه می شوم که غلط است و عوضش می کنم. برای مثال سر پروژه «مردم معمولی» سر خورده نشدم. ماجرا از این قرار بود که ما شش قسمت را ساختیم و پخش کردیم و به این نتیجه رسیدیم که این فرمول جواب نمی دهد. فرمول را عوض کردیم و از یک معیارهای دیگری استفاده کردیم و بهتر شد. آدم کار را برای مخاطبی که از تباط برقرار می کند می سازد، نه آن کسی که نمی خواهد نگاه کند و فحش می دهد. من منتقدم را دوست دارم اما با دشمنم کاری ندارم و پاسخی هم برایش ندارم. بنابراین دچار سر خوردگی نمی شوم.

شما به سرگرمی سازی اشاره کردید که آن را به نحو احسن در خیلی جاها انجام دادید؛ اما گاهی اوقات پیش آمده که این سرگرمی سازی تبدیل به عصبانی سازی شده است، چقدر این را قبول دارید؟ شما قبول دارید که در آن تبلیغ رژیم جمله ای که مردم را عصبانی کرده باشد، گفتید؟

من آن تبلیغ را یک سال و نیم پیش ساختم. در واقع من یک قراردادی با لیمومی داشتم که در مجموع ده تیزر بود که شش تیزر را در صفحه ام پخش کردم که بخشی از آنها به مشکل مجوزی خوردند و گفتند که فعلاً دست نگه دارید، چون ما الان نمی توانیم پخش کنیم و جریمه می شویم. در نهایت همان روزی پخش شد که شما دیدید. از طرفی هم ما با آنها تسویه حساب کرده بودیم؛ یعنی من الان به آنها بدهکار هستم و باید تیزرها را پخش کنم. ادمن